

میکرد تا همه طرفه بر آرزو و نیت بود و بمن بدان سبب او را  
دشمن داشتند و منکر شدند و چون وفای کرد خدای آن روز او را  
دفع کنند گفتن این بودی بد بودی شما را تو عیب در صدقه یافتی  
بیکرد و مال از خدای مستز که بصدقه دهنده و خیر میگردد و منرا  
و مساکین بی دارو ایشان گفتند از چه دانستی گفتم شما را  
بدر آن مال راه نمایی کنم و ایشانرا هفت طرفه بر آرزو و نیت  
نمودم و چون آنرا بدیدند گفتند و الله ما از او دفع نکندیم  
پس او را بردار کردند و سنگل سار کردانیدند و شخصی دیگر  
آوردند و قایم تمام او کردانیدند و بیغایه فاضل و ناله هر چه  
بود و از وی بهتر ندیدم بودم و او را بیغایه دوست داشته  
و چند وقت با وی بودم و چند اجل وی در رسید گفتم این مال را  
من با تو بودم و تو دوست میدادم و حکم خدای تو رسید  
آنوقت حواله من بر بی میکنی گفت و الله اگر تو کسی بی بینم  
که برین نسبت باشند و خدای مالک شد از او دین ضعیف  
است اما در موصل شخصی هست که بدن طریق را خدای  
بی سپارده و به پیش وی نی و چون او برود و از دین وی فایده  
شدیم بر موصل رفته و به آن شخص رسیدم و گفتم تالان کسی را  
حواله بنویس کرد و حال خود بگفت و مرا قبول کرد و او را این  
یا گفتم و بعد از چند وقت او را اجل نیز رسید و گفتم حواله من

تو کرد اند و اجل تو در رسید و وصیت فرمای میکنی گفت و الله  
که جان بی بوم میگی بر این طریق دین سپاری میگذرانی شخصی  
که در تعیین است و حواله تو بر وی میگویم و چون وفای کرد  
فازد حق وی فایده شدیم متوجه نصیب شدیم و بوی رسیدیم  
و حال بگفت و مرا قبول کرد و او را همچو ایشان ناله با فایده و بر آنرا  
زانی اجل او نیز در رسید و گفتم حواله بنویس کرد و حکم  
خدای در رسید و وصیت من بر بی میکنی گفت و الله به جان بی  
بوم الا در عواید شخصی چنین هست که خواهی بر پیش وی تو  
و چون از دین وی فایده شدیم بگویم رفته و بر آن شخص رسید  
و حال با وی بگفتم و مرا پیش خود داشت و ایس سل و متوجه  
بود و در آنجا چند روز او و دوستش بودند آورد و چون وفای  
او در رسید گفتم حواله من تو کرد و بدید و حکم خدای بر تو  
و در تیره و لاجرم به بیغایه و وصیت من بر بی میکنی گفت  
و الله که مجلس کان بی بوم که برین طریق مانده و این زمان  
ظهور پیغمبر آخر الزمان رسید و او به دین ابراهیم علیه السلام  
بعوضه خواهد گشت و در زمین عرب ظاهر گردد و بجز آن  
زمینی سنگستان کند در آنجا نخل باشد و نشانهها ظاهر  
هر وی مشا هر که کند و هر چه خورد و صدقه بخورد و در میان  
نشانی او هر بنوعی باشد که تو را بی بر آن زمین زد و او بر تو